

میزگرد ارزیابی اول مه شهرهای کردستان

شرکت کنندگان: اسد گلچینی، رحمان حسین زاده و مظفر محمدی



مظفر محمدی

امسال تجمع هایی در آن انجام شد، موفقیت قابل انتظار را نداشت. یک بخش آن بدلیل مساله سرکوب و فضای خفقان و دستگیری قبل از اول ماه مه و فشاری که روی تشکل هایشان بود توضیح داده میشود. و یک بخش دیگر این عدم موفقیت، موقعیت و واقعیت های خود جنبش کارگری و سنت ها و نحوه فعالیت مبارزین این جنبش است. به نظرم این معضل را اگر نبینیم و نشکافیم هم کارگران و رهبران و فعالین آنها و کلا نیروی چپ جامعه همراه با سازمانهای سیاسی اش مساله را نمیتوانند بدرستی تجزیه و تحلیل کنند. من فکر میکنم که بویژه در سنج از یک سال قبل از اول ماه مه این معضلات بخوبی دیده میشد و برجسته بود. سنت آکسیونیستی و تشنت و فرقه گرایی که وجود داشت، سایه اش را در اول مه قدم به قدم میشود دید. من همه جسارت و فداکاری، زحمات و تلاش هایی که فعالین و دست اندرکاران و تشکل هایشان برای اول مه ۸۶ داشتند را ارج میگذارم، اما اگر چشمان را بر این واقعیت ببندیم و معضلات را نبینیم، چه برای خود فریبی میشویم. این مضر است. چه برای خود کارگران و فعالین و سازماندهندگان مبارزات و اعتراضات در جنبش کارگری و چه فعالینی که به هر گرایش سیاسی و حزبی تعلق دارند. اول مه در سنج در بهترین حالت ۲۰۰-۳۰۰ نفره و اساسا مربوط به یک بخش معین با همه مشکلاتی که بود و رفتند و تجمع کردند. آیا میشود خود را قانع کرد که این تمام توان جنبش کارگری در سنج برای این روز و در ادامه سنت های تاکنونیش بود؟ سه کمیته مراسم منفک از هم را در این شهر ما شاهد بودیم. این را اگر، صفی قوی و صف آرابی قوی در برابر سرمایه و رژیمش تعریف کنیم، که بعضی ها تعریف کرده اند، و آنرا صفی قدرتمند به حساب بیاوریم آیا خود فریبی نیست؟ کدام صف قوی؟ اگر ما این تعریف و ارزیابی های سطحی و بسیار محدود نگرانه را مینا قرار بدهیم نمیتوانیم به ارائه راه حل برای

اول مه امسال صحنه کشمکش طبقه کارگر و مردم معترض با رژیم اسلام بود. جدالی طبقاتی و عریان. در تهران هزاران کارگر با تظاهرات در خیابانها مراسم دولتی خانه کارگر را از آن خود کردند، محبوب را سکه یک پول کردند و شعار کارگران جهان متحد شوید، مرگ بر دولت سرمایه دار و کارگر، دانشجو، معلم اتحاد اتحاد... سر دادند.

در سنج تجمع کارگران در جلو ساختمان روابط کار با حمله نیروهای انتظامی و پلیس رژیم مواجه شد و در همان دقایق اولیه ۱۴ نفر از فعالین کارگری بازداشت و متعاقبا شیث امانی دبیر اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار و چند تن دیگر از اعضای هیات مدیره اتحادیه را دستگیر کردند. در میوان به تجمع ۵۰ نفره اول مه حمله کردند و تعدادی از آنها را دستگیر نمودند. از اینها گذشته مراسمها و تجمعات دیگر کارگری از آبشار خور در تهران گرفته تا محافل و جمعهای کارگری و خانواده هایشان در نقاط مختلف کشور برگزار گردید. در یک نگاه این رودررویی طبقاتی را چگونه ارزیابی میکنید؟ آیا میشود از موفقیت یا عدم موفقیت اینجا و آنجا حرف زد؟ آیا توازن قوای جدیدی بین کارگران و مردم از طرفی با رژیم بوجود آمده است؟ یا وضع همینطور و به روال سابق بوده و بهتر از این نمیشد؟



اسد گلچینی

به نظرم اول مه در شهرهای کردستان و بطور مشخص در سنج، بوکان و در میوان هم که

پنجشنبه ها منتشر میشود

اکتبر ۱۴۵

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

۳۱ خرداد ۱۳۸۶ - ۲۱ ژوئن ۲۰۰۷

سردبیر: رحمان حسین زاده
husienzade_r@yahoo.com
دستیار سردبیر: پری زارع
Pari.zarea@gmail.com

www.oktoberr.org

باید محمود صالحی را نجات داد

کارگران، مردم مبارز!

جمهوری اسلامی، محمود صالحی یکی از فعالین سرشناس کارگری در کردستان را اسیر و گروگان گرفته است تا از کارگران و مردم آزادیخواه زهر چشم بگیرد. این تنها دلیل و توجیهی است که جز ضدیت آشکار و انتقام از کارگر و انسانیت معنایی ندارد.

جان و سلامتی محمود صالحی بر اثر مریضی کلیه در خطر جدی است. رژیم آگاهانه و بیشرمانه محمود را به مرگ تدریجی در زندان محکوم کرده است. این یک نوع تصمیم به قتل عمد است. باید محمود صالحی را نجات داد. تلاش و مبارزه برای آزادی محمود صالحی وظیفه همه، از کارگر و معلم و کارمند و بازاری زن و مرد و جوان و پیر است. این تلاشی برای دفاع از آزادی و انسانیت و حرمت تک تک انسانهای جامعه ما است.

کارگران، مردم مبارز سنج!

جان یک انسان در چند قدمی محل کار و سکونت شما، در پشت دیوارهای زندان شهر شما در خطر است. محمود صالحی باید فوراً آزاد و به بیمارستان منتقل شود. نجات جان این انسان شریف کار شما است. کار همه ما است. نباید منتظر مرگ تدریجی یک انسان در زندان شویم. آزادی و سلامتی او در گرو همت شما است. همراه و همزمان با حضور وکیل و خانواده محمود صالحی در جلو زندان سنج تجمع کنید! با نوشتن تومار و نامه های اعتراضی خواستار آزادی فوری وی شوید! محمود صالحی باید فوراً به بیمارستان منتقل شود و سلامتی او را باز یافته و به آغوش خانواده اش بازگردد. این کار ممکن است. کوتاهی و اهمال در این کار انسانی قابل جبران نیست. ما محمود را سالم و زنده و آزاد میخواهیم. و تحقق این کار در تلاش شما و صدای شما و اقدامهای عملی و انسانیتان است. ما همچنین اتحادیه های کارگری، نهادها و شخصیتهای انساندوست و همه انسانهای آزادیخواه در سطح بین المللی را به تلاشی انسانی برای نجات جان محمود صالحی و آزادی او از اسارت جمهوری اسلامی فرا میخوانیم.

کمیته کردستان حزب حکمتیست

۲۹ خرداد ۸۶ (۱۹ ژوئن ۲۰۰۷)

زنده با جمهوری سوسیالیستی

مرگ بر جمهوری اسلامی

معضلات پیشارو در این رویا رویی دشوار و پیچیده وضعیت کنونی کارگران برای ادامه مبارزه، اتحاد و برای تشکل کارگری، کاری کرد. باید وضعیت و مشکلات واقعی را دید و آنها را برطرف کرد.

مظفر محمدی:

بعدا به این نقطه ضعف ها و محدودیت ها بر میگردد که چه بود و چه نبود اما تناسب قوایی که بین رژیم و طبقه کارگر وجود داشت چقدر مساعد بود و خود این وضعیتی که بوجود آمده در ادامه این تناسب قوا بوده است آیامیتوانست بهتر از این باشد؟



رحمان حسین زاده

در مورد ابعاد برگزاری اول مه امسال در ایران در نقاط مختلف فرق میکرد. در تهران و مرکز و سطح سراسری به نظرم خیلی بهتر و خوب برگزار شد. مثلا همان تجمع ۳۰۰۰ نفره آبشار خور تجمع خیلی خوبی بود، یا همان حضور موثر کارگران و تغییر فضای مراسم خانه کارگر در تهران و استادیوم شیروزی به نفع خود کارگران مهم بود. ولی در شهرهای کردستان که اسد گلچینی هم اشاره کرد جمهوری اسلامی عقب نشینی بیشتری را به کارگران تحمیل کرد. به نظرم در کل ایران جمهوری اسلامی سعی کرد تناسب قوای نامساعدی را به کارگران تحمیل کند. شمشیر را از رو بست و تهدید کرد، تقریبا هیچ جا اجازه مراسم رسمی و علنی ندادند و مجوز صادر نکردند. بطور مشخص حساسیت رژیم در کردستان بالا بود. با توجه به سابقه گذشته، نسبت به مراسم اول مه در شهرهای کردستان حساس تر بود و مشخصا در سنندج سعی کرد این عقب نشینی را به کارگران تحمیل کند و به درجه ای موفق هم شد. این را با فشار، با تهدید و با دستگیری های از قبل و با تحمیل یک کشمکش به کارگران و مشخصا در روز خود مراسم به تجمع کارگران حمله کرد. تعدادی از فعالین را دستگیر کرد. خلاصه کنم در نقاط مختلف فرق میکرد. کارگران در سطح سراسری ایران، توانستند در شرایط مساعد تر مراسم برگزار کنند. در شهرهای کردستان شرایط نامساعد تر بود. رژیم فشار بیشتری را آورد و یک عامل اصلی محدود کردن مراسم ها خود رژیم بود. اما علاوه بر آن پراکندگی

خود صفوف کارگران و آن تفرقه گرایی و سکتی عمل کردن که اشاره شد در میان صفوف کارگران عمل کرد و شاید روش ها و شیوه های عملی هم که برگزیدند و روشهای نا دقیقی که انتخاب کردند، همه باعث شد که تناسب قوا نامساعد تر شود.

مظفر محمدی:

رژیم امسال از پیش خود را برای ممانعت از برگزاری جشن اول مه کارگران آماده کرده بود. آیا این ممانعت و روبرویی و حمله به تجمعات کارگری و دستگیری و زندانی کردن فعالین کارگری نشانه قدرت رژیم است و میخواهد بگوید که زورش میرسد و نگران عواقبش نیست و یا نشانه ضعف و ترس از تحركات اجتماعی طبقه کارگر و مردم معترض است؟

اسد گلچینی:

این روشن است که رژیم ترس دارد. از هر حرکتی از طرف کارگران و مردم متشکل به شدت وحشت دارد. بویژه در اول ماه مه و به این دلیل که کارگران در برگزاری اول مه سابقه ای دارند. اول مه و ۸ مارس سنت جا افتاده ای در میان کارگران و زنان است و در سنندج و شهرهای دیگر در این روز ها مراسم برگزار میشود. رژیم در این مواقع به اقدامات پیشگیرانه دست میزند که جلوگیری کند. امسال محمود صالحی را دستگیر کرد و قبل از اول ماه مه فضای رعب را دامن زد. مراجعه کنندگان برای مجوز را تهدید کردند. اینها را رژیم انجام داد و راستش تازگی نداشت. اینها چون از یک سال قبل هم این وضعیت بود در ۸ مارس هم این فشار ها اعمال شد. سال قبل در مراسم های اول مه این عکس العمل ها از رژیم را داشتیم. اما پارسال کارگران در اول ماه مه قوی تر و متحد تر ظاهر شدند. کمیته برگزاری بزرگی وجود داشت. وضعیتی که در اول مه امسال بود و به نسبت سالهای قبل فعالین و کارگران پیشرو ضعیف تر و محدود تر عمل کردند. در درجه اول در قدرتمند بودن رژیم نبود رژیم به شدت وحشت داشت، و میدانست که اول مه با هر تدارک مناسبی هزاران نفر را جمع کند. جایی که ما ضعیف عمل کنیم رژیم هم جری تر میشود. اول مه امسال اینگونه بود.

رحمان حسین زاده:

من هم فکر میکنم در درجه اول رژیم ترس و نگرانی جدی دارد. به اقدامات رژیم در شهر

سنندج در دو سه هفته قبل از اول مه توجه کنید، نیروی وسیع گذاشت، تهدید کرد، فشار گذاشت. انواع طرح ریختند که از برگزاری مراسم کارگران جلوگیری کنند. معلوم بود، از تجمع کارگران و برگزاری جشن بزرگ کارگران نگران بودند. بویژه در مراسم هایی چون روز کارگر و ۸ مارس و ... بخشهای رادیکال جامعه حضور دارند، با چپ در آن جامعه بیشتر تدامی میشوند. واضح است که جمهوری اسلامی از چنین روزهایی و مناسبت هایی نگرانتر است. با وجود چنین نگرانی اما در عین حال یک فاکتور دیگر را نمیشود در نظر گرفت. سالهای قبل هم رژیم ترس داشت، اما در این ابعاد نمیتوانست مانع ایجاد کند. اینکه امسال میتواند مشکل بیشتری ایجاد کند، بخشا برمیگردد به آن قدر قدرتی که امسال فکر میکند دارد. فکر میکند در نتیجه یکدست شدن بیشتر حاکمیتش، و اینکه در کشمکشهای بین المللی موقعیت محکم تری پیدا کرده، در نتیجه میخواهد حاصل این موقعیت را به شکل قلدری سر مردم خالی کند. بر کارگران و مردم و زنان فشار بگذارد. به طور مثال همین الان تعرضی را مجددا به بهانه حجاب علیه زنان شروع کرده اند. میخواهم اینجوری بگویم هر دو فاکتور هست هم ترس و نگرانی از مراسم روز کارگر داشت. هم از یک طرف دیگر احساس قوت قلب میکند و اعمال قلدری میکند.

مظفر محمدی:

رژیم در آستانه اول مه محمود صالحی را دستگیر میکند و متعاقبا احکام جدید زندان تعلیقی فعالین دیگری از جمله جلال حسینی، برهان دیوارگر و محسن حکیمی را صادر میکند. به کارگران مجوز ندادند و سرانجام به تجمعات کارگران حمله کردند. اول اینها رژیم به خودش اجازه و میدهد و جرات و جسارت به خرج میدهد که به تجمعات کارگری در جشن روز کارگر حمله کند، نشان از این است که از انعکاس این سرکوبگری در میان کارگران ترسی به دل راه نمیدهد. چرا که میدانند کارگران متشکل و متحد نیستند و فعالین و رهبران نیز پراکنده اند. اما از طرف دیگر رژیم از گسترش دامنه تحركات و تجمعات کارگری و توده ای وحشت دارد چرا که در دل این تجمعات، اعتراض به تبعیض و نابرابری و بی قانونی وجود دارد. بنابر این سعی میکند جلو این اعتراضات را بگیرد تا ابعاد وسیعتری پیدا نکند. با وجود اینها، تجمع کارگران در اول مه سنندج را در نطفه خفه کردند.

تجمع کارگران در مریوان را با جنگ و گریز خاتمه دادند. آیا این قابل پیشبینی بود؟ آیا فعالین برگزاری مراسم روز کارگر، حسابی برای این سرکوبگری و ممانعت بطور جدی باز کرده بودند؟

اسد گلچینی:

به نظرم سرکوبگری و فشاری که رژیم آورد قابل پیش بینی بود. هم فضای اول ماه مه چند روز و حتی یک ماه قبل آن، و یا حتی پارسال هم چنین فضایی را در سنندج ایجاد کردند. رژیم اجازه نداد مراسم برگزار شود. بزور داشت کارگران را به مراسم دولتی میفرستاد. در ۸ مارس هم این اتفاق افتاد. از این لحاظ قابل پیش بینی بود. اینکه کارگران میبایست چکار میکردند به نظرم یک روش درست و یا ادامه یک سنت درست در اول ماه مه سنندج این بود که میبایست از زاویه اول ماه مه، از زاویه تقویت جنبش کارگری، از زاویه اینکه این روز باید روزی برای متحد کردن و متحد نگاه داشتن کارگران میبود نگریسته میشد. برگزاری جشن و مراسم کارگری در اول مه میبایست با یک تدارک وسیعتر و همه جانبه برای همه کارگران و فعالین در محلات کارگری، مراکز کارگری، کارخانه و خانواده های کارگری روبرو میشد. یک وسعت دید کارگری و جنبشی غالب میشد. و در نتیجه تلاش میشد تعداد زیادی بسیج شوند و هر جا میتوانستند راحتتر به رژیم هم مراسمشان را تحمیل کنند. حتی با چنین تدارکی امکان برگزاری قانونی مراسم هم محتمل تر بود و کارگران میتوانستند جشن و مراسم در سالی و یا محلی برگزار کنند. و اگر نمیتوانستند نیروی زیادی را بسیج کنند، نمیبایست با نیروی محدودی رو در روی رژیم قرار میگرفتند. به نظرم این منطق هر مبارزه و هر تحرک کارگری و هر تجمع و مبارزه ای است. هر رهبر کارگری و فعال سازمانده ای میبایست به آن توجه کند.

این نکته را هم اضافه کنم که در مورد اول ماه مه سنندج به نظرم این مراسم در بهترین حالت در ادامه آکسیون های اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار بود. یا در ادامه تلاشهای این اتحادیه برای مساله بیکاری در سنندج بود. این خود دقیقا در شهری مثل سنندج اولان نشان از پراکندگی میان کارگران است و ثابا حتی در این محدوده هم، بینید تشکیلاتی که حداکثر بسیجش تا دو برابر اعضای سازمانش برای اول ماه مه است بنظرم آکسیون موفقی نیست. و اگر اینگونه است دیگر به سبک بعضی ها نمیتوان این را [صافی متحد و قدرتمند در برابر سرمایه و رژیم] توضیح داد. یا

حتی در مریوان هم در اول ماه مه امسال این کارگران نبودند که مراسم خود را برگزار کردند، بلکه جمع و گروه های دوستدار و علاقه مند کارگر و روز کارگر در اول ماه مه جمع شدند و آکسیونشان را برگزار کردند. هر چند مهم بود که بالاخره برای اولین بار یک حرکت سازمانیافته در اول ماه مریوان پا میگیرد، اما باید متوجه شویم که محدود بود و ایرادات جدی از همین دست که در سنندج بود به آن هم وارد است. تدارکی در کار نبود، بسیجی در کار نبود و اتحاد و روشن بینی لازم برای برگزاری این روز هم وجود نداشت و یا بسیار ضعیف بود.

رحمان حسین زاده:

من هم فکر میکنم که قابل پیش بینی بود. اسد گلچینی هم اشاره کرد که سال قبل هم جمهوری اسلامی مانع تراشی کرده بود، مجوز صادر نکرده بود، آنگاه هم اگر درست به یاد داشته باشم، دستگیریهای موردی و پراکنده وجود داشت. ۸ مارس امسال هم بروشنی نشان داد که جمهوری اسلامی مقابله میکند. در ۸ مارس امسال هم مجوز صادر نکردند و به مراسمشان حمله کردند. همین پیش در آمدی بود که جمهوری اسلامی نمیخواست جشن اول مه به آسانی برگزار شود. در سنندج و مریوان و سقز ما شاهد بودیم که کلی تلاش شد که برای مراسم مجوز بگیرند، اما جمهوری اسلامی سرسختی نشان داد، موافقت نکرد و تهدید کرد. در نتیجه قابل پیش بینی بود که جمهوری اسلامی مانع تراشی میکند. فشار میگذارد در نتیجه فعالین و دست اندرکاران اول مه میبایست حساب جدی تری را برای خنثی کردن توطئه های رژیم میکردند. به نظرم دست اندرکاران به اندازه کافی تناسب قوا را درست نسنجیدند. همه جوانب مساله را در نظر نگرفتند. با دیدن این وضعیت قاعدتا دست اندرکاران اول مه میبایست در نظر میگرفتند که با رژیمی طرفند که نمیخواهد مراسم اول ماه مه برگزار بشود. ممانعت ایجاد میکند، اجازه نمیدهد و تهدید میکند و در نتیجه با در نظر گرفتن همه اینها هنوز امکان برگزاری تجمع های بزرگتر و مناسب تر وجود داشت. بنظرم اگر این کارشکنی های جمهوری اسلامی جدی تر در نظر گرفته میشد آن وقت دست اندرکاران سنجیده تر به خیلی از جنبه ها میبایست فکر کنند و موانع ایجاد شده توسط جمهوری اسلامی در مقابل مراسمهای بزرگ و وسیع را خنثی میکردند. سنجیده تر به زمان و مکان مراسم و به نحوه و شیوه آن در جهت اجرای مراسم بزرگ فکر

میکردند

در نتیجه در این تناسب قوا میبایست به تاکتیک بسیج کننده تر فکر میشد. برای مثال مراسمی را که اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار علیرغم اینکه کارگران با جسارت به مرکز شهر رفته و جلو اداره کار رفتند اما فکر میکنم در ست در فضایی که رژیم دوست داشت کشمکش را تحمیل کند در مکانی که کارگران انتخاب کرده بودند، برای آسان تر بود این کشمکش را تحمیل کند. مراسم را بردند جایی که جمهوری اسلامی دستش باز باشد که تعرض کند. به نظرم قابل پیش بینی بود و ما ۳ نفر در میز گرد قبلی همین وضع را پیش بینی کردیم. و به اطلاع خیلی از فعالین و دست اندرکاران اول مه رساندیم. ما به سهم خود راه مقابله با تعرض جمهوری اسلامی و نحوه برگزاری مراسم های بزرگ را طرح کرده بودیم.

مظفر محمدی:

من هم فکر میکنم که این مساله قابل پیش بینی بود. مخالفت رژیم با دادن مجوز، تهدید فعالین کارگری، آمادگی و بسیج نیروی انتظامی برای جلوگیری از تجمع کارگران و خانواده هایشان، تعداد نیرویی که در سنندج به مصاف کارگران آورده بود در لحظات اول کمتر از تعداد کارگران نبود. همه اینها قابل پیش بینی بود.

اما از جانب کارگران و فراخوان دهندگان اول مه که بعدا اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار بود، این مساله کم اهمیت و شاید نادیده گرفته شد و حساب باز نکرده بودند. از جمله،

تدارک لازم دیده نشد. میبایست از هفته ها و روزهای قبل از اول مه فضایی در شهر ایجاد میشد که همه مطلع میشدند. بروشورهای کارگری، پلاکادهای گرامیداشت اول مه، آژیتاسیونهای کارگری و سوسیالیستی در محکومیت سرمایه در مراکز و محافل و پاتوقهای کارگری، میتوانست این فضا را برای آگاه کردن کارگران و بسیج آنها و دعوت همه کارگران شاغل و بیکار در مراسم اول مه، بخصوص شرکت کارگران شاغل، تعطیل کار و حرکت کارگران با پلاکاردهایشان به محل تجمع ... همه اینها باعث میشد که نیروی رژیم نتواند مانع تجمع کارگران شود. من فکر میکنم که آکسیون اول مه بیشتر شباهت به آکسیونهای کارگران اخراجی داشت و در ادامه آن بود. هزاران و دهها هزار کارگر شاغل کارخانه ها و مراکز کار و خانواده هایشان در این جدال غایب بود.

مساله دیگر انتخاب تاکتیک و روش کار است. و بخصوص انعطاف در تغییر آن هر وقت لازم شد.

برای مثال وقتی ما نیروی محدودی داریم و یا از سر و ته آن زیاد مطلع نیستیم و مطمئن نیستیم چقدر نیرو داریم و جمع میکنیم و با ما مآیند، بنا براین نا آماده و الله بختکی میرویم به پای جدالی که نتیجه اش از همان اول قابل پیشبینی است، این روش و تاکتیکی غیر قابل اطمینان است. فرض کنید اگر اتحادیه ای با چند صد یا چند هزار عضو و نیرو میخواهد اعتصاب کند، تجمع کند یا مراسمی برگزار کند، رهبری این اتحادیه از سر و ته نیرویش باخبر است و میتواند بر اساس آن تاکتیک و روش و راه مبارزه را انتخاب کند.

شما در نظر بگیرید که اگر هیاتی از نمایندگان و فعالین کارگری شاغل و بیکار برگزاری اول مه امسال را تدارک میدیدند و حساب نیروی خود را داشتند که مثلاً هر کارخانه و محل کاری چقدر کارگر بسیج و جمع میکند، آنوقت رژیم با همه کارگران شهر روبرو بود و میبایست حساب خود را بکند. در چنین حالتی نمیتوانستند جلو موج کارگران و خانواده هایشان را بگیرند و درگیر شدن با کارگران به ضررشان تمام میشد. سال گذشته همین اتفاق افتاد و علیرغم همه تمهیدات سرکوبگرانه نتوانست جلو ابراز وجود کارگران را بگیرد.

رحمان حسین زاده:

من چند نکته را اضافه کنم. بنظر مراسم اول مه امسال در سنندج با ۳ مشکل روبرو بود. اول جمهوری اسلامی و فشار و کارشکنی هایش. روز کارگر بود و کارگر به هر نحو و شکلی حق داشت مراسم و جشن خود را برگزار کند و جمهوری اسلامی بدلیل فشار و محدودیت هایی که ایجاد کرد، محکوم است.

دوم، مساله دیگری که در این تدارک به آن توجه نشد اینکه ما نیروی وسیع تری را جمع کنیم و مراسم بزرگ داشته باشیم در نتیجه مساله این بود در شرایطی که رژیم شمشیر را از رو بسته بود این کار را چگونه میبایست ممکن کنیم؟ در نتیجه این جنبه که مردم بیشتر و کارگر بیشتر و جمعیت بیشتر را بسیج کنیم و اعتماد آنها را برای شرکت در چنین مراسمی جلب کنیم در محاسبات دست اندرکاران مورد توجه جدی نبود. تصور من اینست که بیشتر بر میلیتاریسم و برگزاری سمبولیک آن تاکید داشتند تا بسیج نیروی بیشتر و چون گرد آوری نیروی وسیع مورد نظر نبود، دست اندرکاران بر سکتی عمل کردن و گروه گرایی هم فایز نیامدند.

نکته سوم اینکه تاکتیک و نحوه اجرای مراسم بود.

جمهوری اسلامی دوست داشت تبدیلیش کند به کشمکش و جنگ و گریز و مراسم کارگران را بر هم زند و دوست داشت برای این کار بهانه دستش بیفتد، متأسفانه این بهانه را رژیم بدرجه ای بدست آورد. یک گرایش وجود دارد که دوست دارد مراسم های اول مه را صرفاً به یک حرکت ضد رژیم میبندد. اول مه را بیشتر بعنوان یک آکسیون ضد رژیم میبندد، نه بعنوان یک روز و مراسم ضد کاپیتالیستی و یک روز و مراسمی که کارگر باید نیرویش را وسیعاً جمع کند. اتحاد و همبستگی و آگاهی طبقاتی را افزایش دهد. بنظرم این گرایش صرفاً ضد رژیمی در حرکت امسال سنندج سنگینی کرد و بهانه ای شد که جمهوری اسلامی بیشتر تعرض کند.

مظفر محمدی:

همانطوریکه ما قبل از اول مه گفتیم و هشدار دادیم، گرایشات غیر اجتماعی و غیر کارگری در ماجرای اول مه امسال هم نقش داشتند و ما متأسفانه نتوانستیم جلوشان را بگیریم و تجربه سال گذشته را بکار بندیم و آنها را دور بزنیم. این گرایش فرقه گراییانه توازن قواری برسمیت نمیشناسد، کارگر و فعال کارگری را به جلو هل میدهد و کارگر را برای شلوغ کردن میخواهد. متوجه نیست که کارگر دانش آموز یا دانشجوی نیست و باید کاری کند که فردا بتواند به سر کار باز گردد و الا نانی در سفره برای خود و خانواده اش ندارد. همین گرایش در همین اول مه فعال کارگری را تشویق میکند که حتی اگر یک پلاکارد بلند کنند خوب است!

بهمین دلیل علاوه بر تاثیر این گرایش در صفوف خود اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار، گروههای دیگری هم جداگانه فراخوان اول مه را میدهند و نام کمیته برگزاری بر خود مینهند...

اگر اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار بهر حال تعدادی کارگر اخراجی و بیکار را نمایندگی میکرد، دو گروه دیگر اصلا بی ربط به کارگر بودند. اینها چه در سنندج و چه در میوان، بدون اینکه هیچ بخشی از کارگران را نمایندگی کنند، یا نماینده کارگران شاغل کارخانه ای باشند، کارگران را به مراسم اول مه فرا میخوانند. این حرکتی بی پایه، کور، فرقه ای و بی ربط به کارگر است. ما روزهای قبل از اول مه گفتیم که اگر تجربه سال گذشته را بکار بگیریم و تکرار کنیم، موفقیتی دیگر به دست میآوریم. متأسفانه این اتفاق نیفتاد.

اسد گلچینی:

ما در بخش قبلی هم اشاره کردیم که برای اول ماه مه موفق، برنامه و یک مجموعه اقدام میبایست وجود میداشت. مساله مهم اینکه میبایست حرکت اول ماه مه را حرکتی جنبشی دید. یعنی اینکه مستقل از هر اختلاف نظر و سلیقه ای، صف متحد و قوی ایجاد میشد و این لازمه یک حضور قدرتمند بود. طبقه کارگر در روز جهانی کارگر که قرار است همبستگی بین المللی اش را به نمایش بگذارد مانند یک طبقه و نه یک بخش و صنف عرض اندام کند. ما در سنندج با درجه غلیظی از پراکندگی روبرو هستیم که حتی این بنیادی ترین نکته در مورد اول ماه مه را متوجه نیستیم؟ روز کارگر روزیست که کارگران بیایند و کیفخواستشان را اعلام کنند. به چه صورتی میتوانند این کار را بکنند این را دیگر رهبران کارگری میبایست تشخیص میدادند ما بشدت نگرانی این پراکندگی بودیم. حرکت امسال سنندج در ادامه سنت های ما در سالهای قبل حتی در همین شهر نبود. حتی از همکاری و تلاش یک سال قبل کارگران شاغل و بیکار و همه فعالین از گرایش های مختلف عقب تر بود. به نظر من هم فکر میکنم اول ماه مه را میتوان آکسیون یک بخش محدود یعنی کارگران و اعضای اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار در اول ماه مه دانست و نه تمام نیرو و بخش عمده کارگران که برای مراسم روز جهانی کارگر وجود داشت و میتوانند متحد و بسیج شوند. طبقاً همین آکسیون قابل پشتیبانی و حمایت هم بود و غلط هم نبود اما چنین آکسیونی در این فضا و شرایط بشدت محدود و شکننده بود و اساساً یک تصور آکسیونیستی است که فقط در اتکا به سازمان و تشکل محدود خودم بروم و کاری بکنم. با گروه خودم بروم این کار را بکنم. اینکه ۳ کمیته برگزار کنند مراسم، جدا از هم فراخوان به برگزاری اول ماه مه در این شهر میدهند در حالی که همه همدیگر را میشناسند، دلیلش چیزی جز این گروه گرایی و فرقه گرایی نیست. سنتهای معمول و تا کنونی برای تدارک، بسیج و سازماندهی کارگران شاغل، کارگران بیکار، خانواده های کارگری و رهبری این فعالیتها اتخاذ نشد. ما حامی روش بسیج کننده و متحد کننده و سازمان دادن و توده ای کردن هستیم و در هر حرکتی هم تناسب قوا را بسنجیم.

همه این نکات از نظر من تصویری است که ما در جنبش کارگری و جنبش های آزادیخواهانه دیگر داریم و از هم اکنون و برای همه مراسم های مختلف کارگری و زنان و ... چنین روش فعالیتی و

مبارزاتی را تبلیغ میکنیم و خود عملاً دست اندرکار آن خواهیم بود. این را ما دنبال کرده ایم. دلیل این پراکندگی و تشتت هم به نظر من دقیقاً از تشتت و پراکندگی و عدم انسجامی است که در میان کارگران کمونیست، و دیگر گرایش‌های سیاسی و از جمله خود ما، وجود داشته است. خط و سیاست روشن این نوع دخالتگری را میتواند تامین کند.

رحمان حسین زاده:

آن پیش بینی که داشتیم که گروه‌گرایی و سکتاریستی عمل کردن و پراکندگی بوجود میاید، متأسفانه اتفاق افتاد. علتش این است که روز کارگر و مراسم کارگری را بعنوان فصل مشترک گرایش‌های مبارز درون جنبش کارگری نمی بینند. در روز کارگر علیرغم تفاوت گرایش سیاسی اما فصل مشترک بسیار زیاد است. مطالبات مشترک زیاد است. اقدامات مشترک زیاد است. در نتیجه طیف‌های مبارز مختلف با گرایش‌های مختلف در مورد مراسم‌ها و تجمعات بزرگ با خواسته‌های مشترک و قطعنامه مشترک میتوانند به توافق برسند و مراسم بزرگ داشته باشند. به نظرم همان سکت بازی و گروه‌گرایی ریشه دار عمل کرد. در کردستان فضا بشدت سیاسی و احزاب تأثیر گذارند. به نظرم این سکت بازی و فرقه‌گرایی انعکاس سکتاریسم احزاب چپ است. ما به سهم خود از این سکت بازی فاصله گرفتیم و علناً علیه این عامل پراکندگی هستیم و در مورد مضرات آن هشدار دادیم. این گروه‌گرایی، کمتر مستقیماً از درون جنبش کارگری است و بنظرم هر جریان و گروهی که متعهد به منافع طبقه کارگر است، باید علیه این سکتاریسم به میدان بیاید.

مظفر محمدی:

کارگران در تهران مراسم روز کارگر را به نفع خود تغییر دادند آیا همیشه تحریم مراسم خانه کارگر درست است یا باید رفت و ورق را به نفع کارگر برگرداند؟ آیا این کار در سنجندج هم امکانپذیر بود؟

اسد گلچینی:

مراسم دولتی با تحریم کارگران روبرو است. اما جنبه‌هایی هست که توضیحاتی لازم است. همان‌جا در تهران هم این اتفاق اولین بار نبود. این چندمین سال است که مراسم‌های خانه کارگر را کارگران مبارز به نفع خود تمام میکنند. فضا را به نفع خود عوض میکنند. در همان مراسم‌های خانه

کارگر که اعتراضات نیم بندی به اوضاع دارند کارگران و فعالین با حضور و اقدام خود خواسته‌های رادیکال خود را مطرح میکنند. همان‌جا در مقابل رئیس و روسای خانه کارگر فضا را رادیکالیزه میکنند. به نظر من این اقدام همیشه خوب بوده است. در هر تجمعی که کارگران حضور دارند، ما کمونیست‌ها و چپ‌ها باید حضور داشته باشیم. در سنجندج هم همینطور است. مراسم دولتی را نباید رفت. من و شما اگر در سنجندج باشیم جایی که استاندار و فرماندار و لشکر اطلاعاتی‌ها آنجا هستند، با زور کارگر را هم جمع میکنند، نخواهیم رفت. ما کارگران باید مراسم خودمان را داشته باشیم. در مراسم دولتی تعداد زیادی سرکوبگر و صاحب کار جمع شده اند که برای ما در همین روز میخواهند در باره چگونگی حفظ وضع موجود موعظه کنند. باشییم.

مظفر محمدی:

سوال آخر این است که بعد از اول مه چه؟ سال گذشته ما خطاب به کارگران و بخصوص فعالین و رهبران کارگران گفتیم و خواهش کردیم که دستهایشان را در دست هم نگه دارند اتحاد پایدارتری را بوجود آورند و گسترش دهند. امسال به کارگران چه میگوییم؟

اسد گلچینی:

به نظرم فوری‌ترین کار تلاش برای آزادی تنها دستگیر شده باقیمانده محمود صالحی است. باید تلاش کنیم او را از چنگ این وحشی‌ها در بیاوریم. این مشغله جدی ما و هر فعال کارگری هم هست. آزادی او را به مسئله و امر مردم باید تبدیل کنیم. ولی کماکان فراخوان ما همان چیزی است که قبل از مراسم‌های اول ماه مه امسال هم تأکید کردیم. ما باید اتحاد کارگری را تامین کنیم. ما باید جنبش کارگری را تقویت کنیم. اتحاد در صفوف مبارزاتی کارگران را علیرغم گرایش‌هایی که هست باید تقویت کرد. تشکل‌های کارگری واقعی را بوسیله خود کارگران باید ایجاد کنیم. اعتراضات کارگران را دامن بزنیم. در این راستا همانطور که اشاره کردم، موانع جدی هست. تصویری هست که اول ماه مه ۲۰۰-۳۰۰ نفره امسال سنجندج را یک صفوف بهم فشرده قوی در برابر سرمایه و جمهوری اسلامی دارد معرفی میکند و ارزیابی میکند. این را بعنوان یک نقطه قدرت ارزیابی میکند. اینها اشتباه است و محدود نگرانه و انحرافی است. اگر به این چنین افکار و روش‌هایی محدود نگرانه و فرقه‌ای در

آنجا جایی نیست که ما برویم و به حرف آنها گوش بدهیم. اما اگر در میدان مرکزی شهر بخواهند کارگران را جمع کنند و براضی ما و دیگر ناراضیان هم میتوانند ملحق شوند. آنگاه باید برویم مراسم را با حضور خود مردم و کارگران به نفع کارگران عوض کنیم. ولی فراخوان رفتن به مراسم دولتی را نباید داد. باید تحریم کرد. شرکت در مراسم دولتی به هیچ وجه.

رحمان حسین زاده:

من هم چند نکته را اضافه کنم. اولاً فکر میکنم که میبایست دست اندرکاران اول مه و فعالین کارگری از جمله در شهر سنجندج به همان اقداماتی بچسبند، که اشاره کردیم و کار خودشان را به سرانجام میرسانند. دوباره تأکید میکنم که مراسم بزرگ جشن روز کارگر به نظرم ممکن بود. در این راستا میبایست دقیقتر و سازمانیافته تر اقدام میشد. در مورد مراسم دولتی در دو سطح باید نگاه کرد. یکی در سطح فراخوان سیاسی که اسد گلچینی هم اشاره کرد در تمام این سالها هیچ کارگر مبارزی و از جمله ما هم فراخوان شرکت در مراسم دولتی را نداده و نباید شرکت کرد و این سیاست درستی است. اتفاقاً هر کارگر مبارز و هر گرایش مبارز درون جنبش کارگری سعی میکند کارگران را قانع کند در مراسم دولتی شرکت نکنند و مراسم مستقل خودشان را برگزار کنند. اما در عین حال خارج از اراده ما زمانی که این اتفاق میفتد مثل همین مورد تهران و مراسم‌های خانه کارگر در تهران که تعداد وسیعی کارگر در آنجا شرکت دارند. هر کارگر آگاه و هر انسان رادیکال و چپی میروند و آنجا سعی میکنند که آن فضا را به نفع

جنبش کارگری اجازه بدهیم که رواج داشته باشد، اتحاد و سازمانیابی ما هم از این که هست بدتر میشود و جنبش کارگری و فعالین سازمانده را در تداوم همین اشکالاتی که هست به جلو سوق میدهند. تشتت بیشتر، گروه‌گرایی بیشتر، و حداکثر متکی شدن به آکسیون محدود و سازمانی برای هر حرکت کارگری و غیر کارگری، دلخوش کردن و فریب دادن خود و دیگران به یک آکسیون چند نفره و دلخوش کردن به آیین بندی چند سایت در انترنت. در صورتی که به نظرم باید این تشتت را برداریم. این پراکندگی برداشته بشود و کارگران سعی کنند در سطح سراسری و محلی تشکل هایشان را، علیرغم اینکه چه گرایش و طرز فکری هست سازمان دهند. به نظرم دو تصویر در مقابل هم هست و وجود دارد و ما باید این وضعیت را تلاش کنیم تغییر بدهیم.

رحمان حسین زاده:

من هم فکر میکنم اکنون فوری ترین کار تلاش برای آزادی محمود صالحی است. اما قاعدتا بعد از اول ماه مه امسال برای فعالین کارگری و دست اندرکاران اول مه این مساله مطرح است چرا امسال مراسم هایمان بزرگ نبود؟ چرا تجمع های وسیعتر نداشتیم. چرا پراکنده بودیم؟ چرا مثلا در سنندج سه فراخوان دهنده اول مه را داشتیم؟ مثلا چرا سندیکای کارگران خباز سنندج و یا اتحادیه کارگران اخراجی و بیکارو یا بخشهای دیگر کارگری میروند و به شیوه خودشان و جدا از هم عمل میکنند. در نتیجه اگر این چراها و سئوالات را در مقابل خودمان قرار بدهیم به عنوان دست اندرکاران دلسوز اول مه و فعالین کارگری متعهد به جنبش کارگری برای رفع این مشکلات و موانع و علت های این پراکندگی تلاش خواهیم کرد. به نظرم باید یک کارمان فایق آمدن بر این پراکندگی و خشکاندن دلایل آن جهت تداوم محکم اعتراض کارگری و برای پیشبرد مبارزه کارگری و تلاش برای اتحاد بیشتر و همبستگی بیشتر و انسجام بیشتر درون صفوف کارگران باشد.

مظفر محمدی:

من هم در خاتمه اضافه میکنم که ما میدانیم و تاکید کردیم در روز اول مه مطالبه ای متحقق نمیشود. اما اجتماع کارگران به آنها قدرت و اعتماد بنفس میدهد و تاثیر یک ابراز وجود قدرتمند تا مدتها در میان کارگران میماند. امسال و باز هم باید این تاکید را تکرار کنیم که اتحادی از فعالین و رهبران در میان کارگران شاغل و بیکار حیاتی است و تعیین کننده است. شاید تصور شود که ایجاد اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار این هدف را بر آورده کرده است. اما صرفنظر از اینکه اتحاد هر تعداد کارگر به خودی خود مهم و مفید و مورد حمایت است. اما تجربه همین اول مه امسال هم نشان داد که دوستان در اتحادیه کارگران شاغل و بیکار اساسا به نیروی محدود خود درمیان کارگران اخراجی و بیکار متکی شدند. در حالی که کارگر بیکار به دلیل موقعیت اجتماعی و زنه ای نیست، منفرد است. هر اندازه از این انسانهای منفرد را

روشن است، جسارت و تلاش زیادی به کار گرفتند و حتی کار مهمی کردند که پرچم تداوم اول مه را در سنندج حفظ کردند، ولی با حاصل محدودی. ببینید مراسم محدود به بخش کوچکی از کارگران بود. فورا تعدادی از عزیزان را دستگیر کردند. در نتیجه باید درس بگیریم و روش و تاکتیک موثرتر و اجتماعی تر و مراسم توده ای تر را برگزار میگردیم. بنظرم این راه داشته و دارد و این کار را میبایست بکنیم. فقط جریانات فرقه ای و گروه های بی ربط به کارگر که خود فریبانه و ریاکارانه کمبودها را پرده پوشی میکنند، خود فریبانه، میخواهند وانمود کنند که مراسم امسال کارگران سنندج کامل بود و نقد ما مبنی بر پراکندگی را نمی فهمند، قبل از هر چیز خاک در چشم کارگر می پاشند و دوم اینکه دنیایشان بسیار کوچک است، چون من میگویم در شهر بزرگ سنندج فقط ۳۰۰ کارگر و انسان علاقمند نسبت به روز کارگر جمع شود خود این نشانه پراکندگی است. ما سال ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ در شرایط اختناق بسیار بالاتر مراسمهای چند هزار نفره در سنندج را شاهد بوده ایم. از رویدادهای اخیر برای اتحاد و اجتماع و تشکل بیشتر باید درس گرفت. در هر حال رفع موانع این اتحاد و تشکل برای پیشبرد مبارزه جاری کارگری و هم برای برگزاری گسترده اول ماه مه سال آینده بسیار حیاتی است.

برنامه های هرروزه تلویزیون پرتو

برنامه آزمایشی هر روزه تلویزیون پرتو از تلویزیون کانال ۶ روی ماهواره هات برد Hotbird پخش میشود. کانال ۶ پروژه مشترک حزب حکمتیست (تلویزیون پرتو) و کنگره آزادی عراق (تلویزیون سنا) است. مشخصات پخش به شرح زیر است:

Satellite: Hotbird 8
Orbital Position: 13 degrees East
Transponder: 14
Downlink Frequency: 11 470
Downlink Polarity: Vertical
FEC: 5/6
Symbol Rate: 27,500

برنامه های تلویزیون پرتو هر شب از ساعت ۳۰:۸ تا ۹:۳۰ شب بوقت تهران پخش میشود. این برنامه روز بعد ساعت ۲ تا ۳ بعد از ظهر روی همین کانال تکرار خواهد شد. علاوه بر این روزهای جمعه تلویزیون پرتو از ساعت ۳۰:۷ تا ۳۰:۸ شب به زبان کردی نیز برنامه خواهد داشت.

روابط عمومی کمیته کردستان حزب
حکمتیست

اسماعیل وایسی
esmail.waisi@gmail.com
تلفن تماس: ۰۰۳۵۸۵۰۳۵۷۳۵۶۴

بپوندید

آزادی

گارد

به